

از دنیا بیاموزیم

◆ ذبیح‌الله کرمی
سردبیر



و مسائل مبتلا به بر دوش آنها گرانی می‌کند، مراجعه نمایم و طی یک پژوهش بر مبنای اصول علمی به واکاوی نظرات آنان بپردازم، شاید که در کنار انبوه گزارشات مربوط به تنگناها و مشکلات تولید و تجارت و نقدها و تحلیل‌ها به کار رفع گرفتاری‌های آنان بیاید و تأثیری هر چند اندک در گشایش مشکلات کسب‌وکارهای ایشان بگذارد.

امروز اما با گذشت زمانی بیش از دو دهه، همان مشکلات و موانع که فعالان اقتصادی در تجارت خارجی استان به عنوان چالش‌های سد راه برشمرده و مطالبه حل آنها را داشته‌اند کماکان و بی‌کم و کاست پابرجا بوده و همچنان حل آنها مورد تقاضای فعالان این عرصه از اقتصاد است. مهم فهم مسئله است؛ به گمانم فهم مسئله وجود ندارد وگرنه در زمانی به درازای عمر پنج برنامه پنج ساله چگونه می‌شود که همه مسائل امر مهمی چون صادرات که تجربه علمی دنیا ثابت کرده است که توسعه اقتصادی کشورها در دنیای امروز بدون توسعه تجارت خارجی میسر نیست، در چنبره بی‌توجهی که نه، بلکه ندانم‌کاری بر جای مانده است؟

در موضوع مهم‌ترین امر اقتصاد یعنی عرصه تولید، اگر چه بویژه در سه دهه اول از روزگار یاد شده، امکانات، تسهیلات و یارانه‌هایی چون زمین، مساعدت‌های مالی و غیره به عنوان حمایت از تولید داده شده است و امروز نیز جسته و گریخته وجود دارد، اما بخش تولید بویژه صنعت طرفی برنبرسته است، زیرا حمایت‌های غیرهدفمند در سایه بروکراسی و گیربندهای متغیر قانونی و غیر قانونی سلیقه‌ای و سایر چالش‌های موجود متنوی هفتاد من کاغذ، هرگز راه‌گشا نخواهد بود. مگر نه اینکه تولیدکنندگان می‌گویند از خیر حمایت گذشته‌ایم، دولت گیربندها را باز کند. اگر تولید فزونی باید آنگاه اشتغال، صادرات، واردات، پرداخت

در یکی از واپسین روزهای دومین سال از دهه شصت در جلسه‌ای در استانداری کرمان در جمع گروهی از مسئولان اقتصادی و تنی چند از عاملان اقتصادی حوزه تولید و تجارت فرش دستباف شرکت کردم که به بررسی مسائل و مشکلات این صنعت دیرین می‌پرداخت. از این جلسه تا جلسات زیاد دیگری در آن دهه و دهه‌های بعدی تا به امروز همچنان همان مسائل و مشکلاتی که در آن جلسه در مورد تولید و بازار قالی بر شمرده شد، به عنوان مسائل و مشکلات سد راه تولید و تجارت قالی فهرست می‌شود که نه تنها حل نشده بلکه حتی مواردی اضافه و پاره‌ای موارد تشدید هم شده است. در گذر این سال‌ها نه تنها در بهبود این کسب‌وکار دیرین خطه کرمان نتیجه‌ای به دست نیامده بلکه قدم به قدم بازار فرش تا حدودی زیادی به رقبا واگذار شد. این سوال تاریخی بر ذهنم فشار می‌آورد چگونه است در استانی که زمانی سلطان فرش جهان را به بازار جهانی فرش معرفی کرده و حتماً در سایر نقاط کشور نیز در طول چند دهه، نشد که در ریز مسائل و مشکلات سد راه تولید و تجارت قالی اندکی تعدیل حاصل آید؟

و در میانه دهه هفتاد به روزگاری که در مسئولیت سازمان بازرگانی استان کرمان بودم به مدد سبقه شغلی مطالعاتی و پژوهشگری در دانشگاه، بر آن شدم مطالعه‌ای علمی در باب مسائل و مشکلات صادرکنندگان استان با همراهی عده‌ای از همکاران پرتلاش خود انجام دهم، اگرچه در باب این مسائل چه در سطح کشور و چه در سطح استان‌ها در جلسات، سخنرانی‌ها و همایش‌ها مطالبی مطرح و ارائه می‌شد که هر کدام در جای خود قابل اعتنا بوده و باید مورد توجه قرار می‌گرفت.

در این بینمایش بر آن شدم به کسانی که عملاً دست‌اندرکار بازرگانی خارجی بوده و سنگینی عملیات صادرات و واردات

مالیات، تجمیع سرمایه‌های پراکنده داخلی و کسب‌وکارها متناسب با آن رشد خواهد کرد و در معیشت مردم گشایش حاصل می‌شود. ترویج به طور جد فرهنگ متریقی حمایت واقعی و هدفمند از تولید و کارآفرینی و حمایت قانونی از بخش خصوصی و صاحبان کسب‌وکارها موضوعی است که متأسفانه در حد قابل توجهی مغفول است؛ موضوعی که همیشه بر آن تأکید می‌شود، اما در عمل معطل است و شده آرزوی برجای مانده. آرزوی این‌که عملاً بپذیریم که عمل به علوم تجربه شده بشری در زمینه اقتصاد تنها راه نجات اقتصاد کشور است. کشوری سرشار از ذخایر غنی خدادادی و منابع انسانی باهوش، خلاق، جستجوگر، باایمان، همراه، امیدوار، امتحان پس داده و در انتظار فراهم شدن محیط و فضای در خور لحظه‌های کار و تلاش تا امتداد بی‌نهایت حیات این مرز و بوم و آرزوی درخشندگی تولیدات ایران در سید مصرف جامعه جهانی. امروز و حتماً دیروز نیز این قانون جهانی اقتصاد است که حرکت آن در فضای رقابتی ضامن توسعه آن است.

غالب علمای اقتصاد بر این باورند که کناره‌گیری سیاست از تجارت و اقتصاد، یگانه راه نجات اقتصادی کشور از بن بست‌هاست.

انتظار این است که کار اقتصاد به مردم واگذار شود و البته دولت ثبات ایجاد کرده، نظارت کند و مدیریت نماید تا توانمندسازی اقتصادی را در جامعه عملی سازد. البته یادمان باشد دولت بنگاهداری بیش از ۸۰ درصدی عرصه اقتصاد کشور است و به این ترتیب بدیهی است که نمی‌توان از قدرت سیاسی انتظار داشت که از خیر دخالت در اقتصاد بگذرد. کدام بنگاهداری است که از اداره امور بنگاه خود صرف‌نظر کند؟ واقعیت این است که در شرایطی می‌توان انتظار این مهم را داشت که امر خصوصی‌سازی واقعی محقق شود.

به نظر می‌رسد که اقتصاد از اولویت برخوردار نیست و در تصمیم‌گیری‌ها به گونه علمی به آن توجه نمی‌شود و بی‌هدف و به روزمرگی همچنان برخوردار از انباشت سیاست‌های غلط اقتصادی دچار بیماری است و در غیاب روابط بین‌المللی مناسب در تجارت خارجی و به دور از توان آزمایش خود در بازارهای رقابتی جهان سر در لاک گرفتار خود فرو برده است.

متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ایم توانمندی‌های تولیدی کشور را عملی ساخته و از ظرفیت‌های تجاری و صادراتی آن به شایستگی بهره‌برداری نماییم؛ چون که درگیر چالش‌های جدی هستیم، چالش‌هایی که به شکل تاریخی درآمده و در تمام ادوار گذشته از آن‌ها به عنوان سد راه تولید و تجارت یاد گردیده و درخواست حل آن‌ها شده است، اما به اندازه کافی به رفع این موانع و چالش‌ها اهتمام نشده است. ای کاش در اندیشه رونق تولید آن هم تولید رقابتی و نیز توسعه صادرات با دسترسی به خدمات مناسب تولیدی و تجاری و با وصل به بازارهای خارجی، مسیر هموار شود. نقطه عطف توسعه تولید و تجارت در گرو بهبود فضای کسب‌وکار است و تا زمانی که این مهم حاصل نشود، برنامه‌های رشد و توسعه جستارهای بی‌ربطی خواهد بود و نمی‌توان به تولید در کلاس جهانی و آنگاه به صادرات رسید. بیایید موفقیت‌های جهانی را مرور کنیم و یاد بگیریم. ای کاش دولت با مشارکت ملی و تقویت سرمایه اجتماعی، امید اجتماعی را در جامعه افزایش دهد. بدون شک مدیریت متریقی اقتصاد و بهبود شرایط زندگی یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش امید در جامعه است. باشد که با امید به الطاف الهی و اعتماد متقابل دولت و مردم، کشورمان در مسیری هموار به دستاوردهای درخشان اقتصادی نائل شود. ♦♦